

اندر حکایت تاریکی شبانه

تاریکی و قطع برق معلول چیست آیا؟
مسئول آن که باشد؟ خانوم یا که آقا؟
جنسیتش مهم نیست، سالم فقط بماند
قاطی نموده‌ام من «ایا ایها الشکارا»
ای مهربان برایم تنها چراغ آور
گر آمدی به منزل امروز یا که فردا
ظلمت برای بعضی بی حاصلی محض است
بعضی چراغ خاموش داریم شوند دارا
دیشب مسیر خانه مجهول شد برایم
گشتم در آن سیاهی تر سیده حال و تنها
«از هر طرف که رفتم جز وحشتم نیفزود»
زنهار از این خیابان، گم گشتگی و سرما
دیگر چراغ قوه با خود بر م شبانگاه
عبرت گرفته‌ام من یک نکته‌ای ست اما
ترسم پلیس جای سارق مرا بگیرد
از پشت سر بگوید: «بر گرد، دست بالا!»

شیمائنی عشری



در حاشیه باد و توفان های شهر!

ما آنتن مان ز روی بام افتادا
افتاد به بام خانه همسادا
گر داد به ما آنتن مان را دادا
ور نه من و باد هر چه بادا بادا!

*

تیر آهن با کله روی خاک نشست
صد اصله درخت از کمر گاه شکست
جاری شده سیلی از حوادث در شهر
در مشهد ما دو قطره باد آمده است!

*

کابین کابین و تک به تک می چرخد
در پارک همیشه این کلک می چرخد
بی برق چه چرخ‌ها که از کار افتاد
با بادولی چرخ و فلک می چرخد!

*

این دوست به ما چه داده، جز یادش را؟
مادر به شما چه گفته، جز دادش را؟
فصلی ست پر از ابرو پر از نعمت و برف
این فصل به ما چه داده، جز بادش را؟
منبیره رضوان

پیامک روز

پرسش، پاسخ، انتقاد، پیشنهاد، تعریف، تمجید، به‌به و
چه‌چه‌خود را با کلمه «دارکوب» بفرستید:
پیامک ۰۹۳۵۴۳۹۴۵۷۶ و تلگرام ۲۰۰۰۹۹۹

✉ فتو کاتور کریم باقری خیلی باحال بود تو دارکوب،
دمتون گرم.

✉ دارکوب چرا بینی‌ها رو این قدر بزرگ می‌کشی؟! باور
کن من اندازه گرفتم هر هفته چند سانت به دماغ‌های تو
کاریکاتور هاتون اضافه‌میشه!

دارکوب: کاریکاتور یعنی اغراق دیگه، حالا بینی مهم‌ترین
قسمت صورته، ما هم خدارو شکر در این باره محدودیت
نداریم!

✉ دارکوب حواست باشه از خط‌ویژه‌نری‌ها، اگر هم رفتی و
جلوتر رو گرفتن، قانون رورعایت کن و برگرد تو مسیر اصلی!
دارکوب: چشم، خیال تون راحت، من اصلا اهل خط‌بازی
اونم‌ویژه، نیستم!

✉ آق کمال تو این هوای آلوده از خونه بیرون نیا! هر کاری
داری بگو خودم برات انجام می‌دم. برای حق الزحمه هم‌یه
عکس یادگاری باهاش بسه!

داش‌امیر
آق کمال: چاکرم داش‌امیر، قریون مرامت، دم‌شما گرم. حیف
که نمشه وگرنه همی کار همکردم!

✉ دارکوب، مزه گوشت قرمز یادم رفته، می‌شه برام تعریف
کنی؟!

دارکوب: راستش من که مزه گوشت سفید هم داره یادم میره،
برای همین که باید بریم گیاه‌خوار بشیم، فعلا هنوز می‌تونیم
ترب‌وبرگ چغندر بخوریم!

✉ چقدر خویه که تو هستی دارکوب تا ما حرف هامون رو از
دهان توبه گوش مسئولان پرسونیم.

دارکوب: نظر لطف شماست ولی من دهان ندارم، نوک دارم!



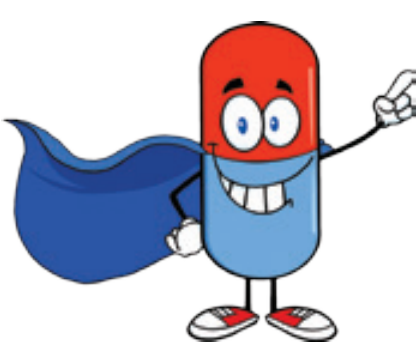
توثیت روز

معاف از تحصیل با
ترمی‌ان تومن!

❖ یکی از بچه‌های فامیل مون ۱۵ سالشه، از الان
واسه بچ‌اش اسم انتخاب کرده. من ۱۵ ساله که
بودم فکر می‌کردم با بام‌داداش هام رو به دنیا میاره و
ما مانم خواهرام رو!

❖ گیاه‌خواری فقط اون جاش که وقتی تنها می‌شی
زنگ می‌زنی کوبیده سفارش می‌دی!

❖ تفاوت ژولوف با استامینوفن می‌دونی چیه؟ ژولوف
می‌گه: «سرت غلط کرده درد گرفته، مگه من مُردم؟»



❖ زنگ‌زد به استاد زبان تخصصی مون گفتم:
«اکسیژون می، امتحان تو مارو در چه لولیه؟» گفت:
«این ترم هم که انداختمت خوب آندرسنتند می‌شی!»

❖ به‌نظر من بایدیه قانونی وضع کنن که توهر خانواده‌ای
که سه تا بچه تحصیل کرده داره، دیگه نفر چهارم معاف
بشه از تحصیل!

❖ اینایی که رشته‌شون محیط‌زیسته و هی مشروط
می‌شن دیگه خیلی برام عجیب‌اند. خب به‌ترم اشغال نریز
روزمین قبولی دیگه!

❖ جدی می‌رین دانشگاه پولی ترمی ۳ تومن
می‌دین؟ سرجمع لیسانس می‌شه ۲۴ میلیون
اگه کار پیدا کردین، ماهی یک و یونصد بهتون بدن؟!
❖ همیشه اون‌ی که بدترین دست‌خط رو داره جزوه‌ش
کامل‌تره!

❖ باهریک درجه‌ای که هوا گرم می‌شه با بام‌پکیج
رو ۱۰ درجه کم می‌کنه، یه هفته این جور ی پیش بره

❖ پکیج‌رو می‌ذاره رونفی ۲۰ درجه!

❖ از صدای یه زن خیلی چیزها رو می‌تونین بفهمین،
مثلا اگه داد می‌زنه یعنی عصبانیه!

❖ ۲۴ ساعت واسه یه شبانه‌روز خیلی کمه، به‌نظر
م ۳۶ ساعت بود با استرس کمتری تا لنگ ظهر
می‌خوابیدیم!

استامینوفن فقط می‌گه: «حالا ببینیم چی می‌شه!»

❖ یه بار داشتیم سیم‌کشی ساختمون می‌کردیم،
اوستا گفت: «فاز مترو بده» گفتم: «دینگ دینگ!

ایستگاه آزادی». دو تا سرسیم رو داد بهم، فیوز روز!

❖ می‌گن اگه می‌خوای یه نفر رو بشناسی باهاش
برو مسافرت. خواستم بگم من همین که گشنه‌ام بشه

❖ خودمون نشون می‌دم، به مسافرت نمی‌کشه!

❖ خیلی سخته هر وقت می‌خواین کتاب بخونین
یه پوه به عکاس میاد ازتون عکس می‌گیره پست می‌کنه

❖ اینستا، نه؟ گرفتاری شدین‌ها!

❖ یه مدت می‌رفتم باشگاه. گفتم یه استراحت سه
روزه به عضله‌هام بدم. امروز تولد سه سالگی اون

❖ استراحت!

❖ یه مدت زده بودیم تو کارپوروش ماهی، اما بعد از یه
مدت ورشکسته شدیم. از پس هزینه‌های دبیله و هالتر

❖ و مکمل‌ها شون بر نمی‌اومدیم!

❖ باگ تنها زندگی کردن اینه که رو کاناپه خوابت
می‌بره، کسی نیست یه پتو بکشه روت. همین!❖ من اگه وسط دریا فقط یه تیکه چوب باشم که از ش
بگیرم، بازم زنده خودم رو به یه ساحلی می‌رسونم.❖ چون دماغم رو عمل نکردم و از ش به عنوان بادبان
قایم می‌تونم استفاده کنم!

آقامن بازی نمی‌کنم...

این شوخی شوخی شمشیر رو کرد تو گردنم!

اگر به جای این که عمرم را صرف کسب علم کنم، دنبال این توپ
دویده بودم، حال و روز خودم و هفت نسل بعدم به از این بود!

کمیک روز

با افزایش قیمت طلا برخی از طلافروشان در تهران به مردم طلای قسطی می‌فروشند!

کار تونیست: حسین نقیپ

از اون لحاظ

قاطینگا! پاتینگا! برق شما قطعینگا!

محمد علی محمد پور

طنزپرداز

پنج شنبه‌ای دیگر را در حالی آغاز می‌کنیم که نمی‌دانیم الان برق شما قطع است یا نه. اگر برق‌تان وصل باشد که احتمالا گازتان حداقل قطع است و اگر گازتان هم قطع نیست که دیگر نمی‌فهمم شما با این حجم از رفاه چرا پرسر نمی‌آورید؟ چندروز پیش سخنگوی صنعت برق در حالی که اشک شوق از چشمانش جاری شده بود، اعلام کرد: «از صبح تا این لحظه که با شما صحبت می‌کنم قطعی برق در کشور نداشته‌ایم.» نمی‌دانم چرا این دستاورد آن‌طور که باید دیده نشد، ولی من می‌خواهم به ایشان و همکاران عزیزشان، دلاوران، نام‌آوران به‌خاطر این آپولویی که هوا کرده‌اند تبریک بگویم و بر طبل شادانه بکوبم. اصلا از این به بعد هرروز که برق‌تان قطع نشد زنگ بزنید اداره برق تشکر کنید. فقط مواظب باشید پول تلفن‌تان زیاد نشود که تلفن‌تان را به‌جایش قطع کنند. در ضمن بعضی مناطق دور از پایتخت هم هستند که هیچ‌وقت برق و گازشان قطع نمی‌شود. آن‌جا هم مدیریت دوستان در این موضوع دخیل است ولی این که اصلا برق‌کشی و گازکشی شده‌اند هم در این اتفاق بی‌تأثیر نیست.

البته مسئولان اداره برق همچنان اختلافاتی با مسئولان اداره گاز دارند. به‌طوری که مدیر کل مدیریت مصرف توانیر گفت: «قطعی برق به‌خاطر کمبود گاز است؛ میزان گاز دریافتی ما خیلی کمتر از اعداد اعلام‌شده توسط شرکت گاز است!» یعنی شرکت گاز می‌گوید من فلان قدر گاز به برقی‌ها می‌دهم، در حالی که واقعا آن قدر گاز نمی‌دهد و معلوم نیست این گاز کجا می‌رود؟ باز خدارا شکر گاز را نمی‌شود توی چمدان گذاشت و پرید و رفت آن‌ور. در این اختلافی که بین شرکت گاز و برق وجود دارد سازمان آب هم یادمان نرود که خدارا شکر فعلا آب وصل است. گفتم‌یادی کنم که شرکت آب دچار کمبود محبت نشود و برای دیده شدن آب را قطع نکند.

به‌رحال با این سرعتی که داریم به عقب برمی‌گردیم ما باید به‌زندگی بدون فناوری و برق و گاز هم عادت کنیم. اصلا مگر آدم‌های نخستین چه کار می‌کردند که ما نتوانیم انجام دهیم؟ با این گرانی پوشاک مگر برگ و بوته‌ها چه مشکلی دارد که از شان استفاده نمی‌کنیم؟ تازه رئیس محیط‌زیست هم به‌تازگی گفته برخی مردم به‌خاطر گرانی گوشت دست به شکار می‌زنند. پس به‌نظر من فعلا تا دست زیاد نشده یک نیزه و مقداری برگ آماده داشته باشید، لازم شد در هیئت قاطینگا و پاتینگا برویم شکار و زندگی متفاوتی را تجربه کنیم. بعد هم توی اینستاگرام هشتگ بزنیم: #زندگی_را_بلد_شو.

—عمو پاشو، مر اسم تموم شد!

+مر اسم چی؟ مگه صف و اکسن کرونا نبود؟!

نیاز طنزی

ثبت‌نام آغاز شد!

کلاس‌های آموزش آشپزی ترم

خصوصی، نیمه‌خصوصی،
عمومی، نیمه‌عمومی

روش‌های جدید آشپزی را
از ما یاد بگیرید

آشپزی بدون رفقه بدون گرسخته

بدون تخم مرغی بدون رب

بدون کرفه بدون پیاز بدون لپاق‌نار

یا لپاق برقی هست

در پایان دوره گواهی پایان دوره
داده می‌شود

آموزشگاه نون و نمک، بدون نون

زندگی سلام

پنج شنبه
۹ بهمن ۱۳۹۹
شماره ۱۸۰۶

دارکوب

۳